

## غفلت در اولویت بندی چگونه اتفاق می‌افتد؟ ملاک تشخیص آن چیست؟

### غفلت در اولویت بندی؛ اثر غفلت در چینش نظام محبتی

قطعاً عوامل مختلفی می‌توانند در تغییر دادن مسیر زندگی ما نقش داشته باشند، اما مسلماً چیزی که از همه بی‌سروصداتر این کار را انجام می‌دهد، خطر بیشتری دارد؛ چون بدون این که ما متوجه شویم، کنترل را از دستمان خارج می‌کند. حالا سؤال اینجاست که چه چیزی می‌تواند از خود غفلت بی‌سروصداتر باشد؟ اصلاً غفلت از کجا می‌آید و چگونه بر زندگی ما اثر می‌گذارد؟ غفلت در اولویت بندی چه طور می‌تواند باعث سقوط ما شود و از کجا بفهمیم که دچار غفلت شده‌ایم؟

معمولاً به هر چیزی که توجه ما را از هدف اصلی‌مان برمی‌دارد، غفلت می‌گوییم و از آنجا که مهمترین هدف ما به عنوان یک انسان در زندگی رسیدن به کمال مطلق و شباهت به الله است؛ پس می‌توانیم بگوییم که غفلت هر چیزی است که توجه ما را از الله دور می‌کند. این جاذبه‌ها و کشش‌ها می‌توانند از نوع مثبت باشند یا منفی، یعنی گاهی وقت‌ها کمالات مثبت است که ما را درگیر و اسیر خود می‌کند، مثلاً دنبال درس و مدارج علمی می‌رویم، می‌خواهیم مجتهد و استاد شویم، یا آنقدر خودمان را درگیر خدمت به دیگران می‌کنیم که فراموش می‌کنیم چرا به این دنیا آمدم. گاهی اوقات هم کشش‌ها و جذابیت‌های دنیایی‌اند که ما را به سمت خود می‌کشانند و آنقدر سرگرم و درگیرمان می‌کنند که از پرداختن به خود حقیقی‌مان غافل می‌شویم.

### تأثیر غفلت در اولویت بندی

همان طور که پیش‌تر به آن پرداختیم، چهارچوب اولویت‌ها و نظام محبتی ما کاملاً مشخص است. مسیر و برنامه‌راه ما تعیین شده و برای رسیدن به هدف خلقتمان چاره‌ای جز طی کردن این مسیر نداریم، اما بخشی از غفلت ما به انس و عادت

برمی‌گردد که با دنیا داریم. دقت کرده‌اید که وقتی می‌خواهیم کاری را خارج از عادت انجام بدهیم، مرتباً باید به خود یادآوری کنیم؟ در مورد خود حقیقی‌مان هم وضع به همین ترتیب است. ما به دلیل انس و عادتمان به دنیا بعد بی‌نهایتان را به راحتی فراموش می‌کنیم. یادمان می‌رود که کدام‌یک از ابعاد وجودمان باید وارد آخرت شود. در نتیجه دچار غفلت در اولویت بندی شده و با بی‌توجهی به بعد فوق عقلمان بر روی ابعاد جمادی، گیاهی و... خود سرمایه‌گذاری می‌کنیم.

هیچ‌کدام از ما دوست نداریم حس یک فرد فریب خورده را تجربه کنیم، اما غفلت این کار را با ما انجام می‌دهد. حواسمان را از خود حقیقی‌مان و نیازهایش پرت کرده و توجه ما را به خودهای دیگرمان جلب می‌کند. این روند آهسته آهسته پیش رفته و کم کم با غفلت در اولویت بندی، نظام محبتی‌مان را از حال تعادل خارج می‌کند؛ در نتیجه با انس و توجه به کمالات پایینی، خود حقیقی‌مان ضعیف شده و از حرکت به سمت کمال منحرف می‌شویم. حتی ممکن است در نظر دیگران فرد موفق به نظر برسیم یا به کمالات چشمگیری دست پیدا کنیم، اما در واقع از هدف خلقت خود دور شده‌ایم و در زمانی که فکر می‌کنیم همه چیز به خوبی پیش رفته، متوجه می‌شویم که مسیر را اشتباه آمده‌ایم. دقیقاً مثل راننده‌ای که با جذب شدن به زیبایی‌های مسیر یک لحظه از جاده غفلت کرده و مسیر را اشتباه می‌رود و دقیقاً در زمانی که انتظار دارد به مقصد برسد، خود را کیلومترها دورتر از آن می‌بیند.

## غفلت برابر با از دست دادن است

اگر تجربه کوهنوردی داشته یا با شغلی حساس سر و کار داشته باشید، می‌دانید که مهم‌ترین وظیفه ما برای رسیدن به هدف، پرهیز از غفلت است؛ در حقیقت در چنین فعالیت‌هایی غفلت مساوی با از دست دادن است و لحظه‌ای غفلت می‌تواند منجر به سقوط ما شود. مثلاً لحظه‌ای غفلت از بیمار در حین عمل می‌تواند منجر به مرگ او شود، یا لحظه‌ای غفلت از جاده می‌تواند جان چندین انسان را بگیرد. این قاعده نه فقط در مورد امور مادی و دنیایی ما، بلکه در هر کار حساس دیگری حتی در امور

انسانی هم حکم‌فرماست، یعنی ما نه‌تنها نیاز داریم که با قرار دادن فوق عقل خود در رأس و حاکمیت، به حالت تراز و توازن انسانی برسیم، بلکه باید با دوری از غفلت در اولویت بندی و چینش نظام محبتی، این تعادل را حفظ کرده و مانع سقوط بُعد انسانی وجودمان شویم. عدم تعادلی که در اثر غفلت در اولویت بندی محبت‌ها ایجاد می‌شود، برابر با سقوط ما از بخش انسانی یا وضعیت طبیعی وجودمان است؛ اتفاقی که در اصطلاح تخصصی به آن فسق هم می‌گویند. با این وجود، غفلت به همین سادگی می‌تواند ما را پایین کشیده و تبدیل به فردی فاسق یا غیرطبیعی کند.

میزان خسارتی که غفلت به ما وارد می‌کند، بسته به امری که با آن سر و کار داریم، متفاوت است. قاعدتاً ضربه‌ای که از کوتاهی در یک مورد جزئی مثل سر نزدن به غذای در حال پخت به ما وارد می‌شود، با کوتاهی در مورد سلامتی‌مان یکی نیست. اثر یکی کوتاه مدت و گذرا و اثر دیگری طولانی مدت و فراگیر است. حالا فرض کنید که این کوتاهی بسیار فراتر رفته و غفلت در اولویت‌بندی ما در زندگی را هم شامل شود؛ چیزی که نه‌تنها بر شادی و آرامش دنیایی ما تأثیر می‌گذارد، بلکه ابدیت ما هم وابسته به آن است. در این صورت به فردی سردرگم تبدیل می‌شویم که روزها و شب‌هایش را در توهم موفقیت یا لذت بردن از زندگی می‌گذراند، اما در واقع با ادامه دادن به غفلت خود در حال دور شدن از هدفی‌ست که خدا برای خلقت او و متناسب با شأن انسانی‌اش در نظر گرفته است.

### از کجا بفهمیم دچار غفلت شده‌ایم؟

طبیعتاً با دانستن آسیب‌های خطرناک غفلت، قدم بعدی تشخیص غفلت در اولویت بندی است، همان‌طور که در بالا هم به آن اشاره کردیم، یکی از عواملی که غفلت را پیچیده‌تر می‌کند، خاموش بودن و بی‌سروصدا بودن آن است، اما خوشبختانه ملاک‌ها و آیینیهایی از سوی خالق مدبر ما برای تشخیص غفلت قرار داده شده. معیارهایی که در زیر آنها را با هم بررسی می‌کنیم:

اولین ملاک تشخیص غفلت بررسی تمایلاتمان است. اگر می‌بینیم که تمایل ما نسبت به خدا، اهل بیت، معشوق‌های بخش فوق عقلی و به طور کلی هر چیزی که رنگ و بویی از خدا دارد، کم شده، پس دچار غفلت شده‌ایم؛ البته نکته اینجاست که قلب ما هرگز خالی نمی‌ماند و اگر محبت‌مان نسبت به معشوق حقیقی کم شود، بلافاصله توسط معشوق‌های ابعاد پائینی وجودمان پر می‌شود. به عبارت دیگر در صورت غفلت در اولویت بندی محبت‌ها، نسبت به اموری که بویی از الله دارد بی‌میل شده و تمایل‌مان به معشوق‌های بخش‌های پائینی وجودمان بیشتر می‌شود.

دومین ملاک وجود غفلت، بررسی میزان ایمان‌مان است. از آنجاکه ایمان در مقابل غفلت است، کسی که ایمان بالایی دارد، یعنی غافل نیست. حالا چه‌طور بفهمیم که میزان ایمان ما چقدر است؟ شاخصه ایمان محبت است. وقتی بر ایمان‌مان اضافه می‌کنیم، یعنی در تلاش برای شبیه شدن به خدا هستیم. و بزرگترین و عام‌ترین اسم الله، رحمن است. پس ملاک اینکه غافل نیستیم این است که روز به روز رحمانیت بیشتری در ما جلوه می‌کند. در واقع هر قدر که بر ایمان ما اضافه شود یا از غفلت‌مان کم شود، بیشتر شبیه خدا شده و علاقه و محبت‌مان به مخلوقات خدا افزایش می‌یابد.

در حقیقت نزدیک شدن به خدا سطح آرامش، عشق و شادی حقیقی در وجودمان را بالا می‌برد و در مقابل، غفلت در اولویت بندی باعث می‌شود، که بخش فوق عقل ما روز به روز ناتوان‌تر شده و محبت ما نسبت به الله، اهل بیت و جهاد در راه خدا کم شود. غفلت چپش نظام محبتی ما را تغییر داده و نه‌تنها آرامش را از دنیای ما می‌گیرد، بلکه ما را از هدف خلقت و کمالات انسانی‌مان دور می‌کند.

در این درس به تعریف غفلت و خطراتی که در صورت غفلت در اولویت بندی متوجه ما می‌شود، اشاره کردیم. گفتیم که غفلت آرام آرام حواس ما را از من حقیقی و معشوق‌های بعد انسانی‌مان پرت کرده و متوجه کمالات ابعاد پائینی وجودمان می‌کند. در این زمان است که چپش نظام محبتی ما به هم خورده و در حالی که فکر می‌کنیم همه چیز به درستی پیش می‌رود، دچار سقوط بعد انسانی می‌شویم. غفلت نه فقط دنیای ما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بلکه با دور کردن ما از هدف خلقت،

آخرتمان را هم به باد فنا می‌دهد، اما ملاک‌هایی هم برای تشخیص غفلت در اولویت بندی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به توجه به نوع گرایش‌ها و تمایلات و میزان محبت و رحمانیت اشاره کرد.

با توجه به محتوای این مقاله، شما چقدر خودتان را درگیر غفلت می‌دانید؟ آیا غفلت در اولویت بندی، چنین نظام محبتی شما را تحت تأثیر خود قرار داده است؟

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer